

## بسم الله الرحمن الرحيم

چراغ بیست و دوم را نذر چهل سالگی انقلاب، نثار می‌کنم به مقدم کسانی که گام دوم این انقلاب خدایی را، با همان شور و امید طی می‌کنند، که حاج قاسم سلیمانی در تمام این سال‌ها طی کرد و برای روشنی چشمانشان، ویدئویی را در ضمیمه این مقاله<sup>۱</sup> تقدیمشان می‌کنم.

امروز که ملت ما باز در آستانه یک آزمون تاریخی - یعنی انتخابات مجلس - قرار گرفته است، هرروز از گوشه و کنار، دروغ‌هایی را می‌شنوم که دشمنان این جمهوری، بیش از چهل سال است آن‌ها را تکرار می‌کنند؛ دروغ‌هایی همچون دلسرد شدن مردم از انقلاب و از دست رفتن مشروعیت نظام به خاطر فقدان مقبولیتش در نزد مردم.

اگر روزی بخواهم دشمنان این جمهوری را به خاطر خصلتی تحسین کنم، به این خاطر تحسینشان خواهم کرد که چهل و یک سال است در هراختخاباتی، و در هرآزمایشی که بتوان با کمک آن، مقبولیت این نظام را در نزد مردم سنجید، سیلی سخت خورده‌اند و باز دست از پشتکارشان در مسیر دروغ‌گویی برنداشته‌اند!

ظاهراً برای دشمنان ما، فرقی ندارد که نود و هشت درصد مردم ما به این جمهوری رأی بدهند یا ندهند؛ فرقی ندارد که متوسط مشارکت مردم ما در انتخابات، از مشارکت مردم کشورهای اروپایی و آمریکا در انتخاباتشان بیش‌تر باشد یا نباشد؛ فرقی ندارد که این ملت با خون و گوشتش، جنگ مظلومانه‌ای را از سر بگذراند یا نگذراند؛ فرقی ندارد که در استقبال و ارتحال رهبر دینی خود، پرشکوه‌ترین صحنه‌های تاریخ را - چه از حیث کمیت و چه از حیث کیفیت - بیافریند یا نیافریند؛ فرقی ندارد که با فلج‌کننده‌ترین و ظالمانه‌ترین تحریم‌های تاریخ، دست‌وپنجه نرم کند یا نکند؛ فرقی ندارد که در نظرسنجی‌ها، به حمایتش از این نظام، اقرار نماید یا ننماید؛ فرقی ندارد که چهل و یک سال تمام در ۲۲ بهمن، پرنشاط‌ترین و پرجمعیت‌ترین راهپیمایی‌های جهان و بلکه تاریخ را در حمایت از نظامش، انجام بدهد یا ندهد. آن‌ها همیشه دروغ خودشان را می‌گویند که نظام

---

<sup>1</sup>) <https://halgheh.com/wp-content/uploads/2021/05/rajaz-hajghasem.mp4>

اسلامی گرفتار «فقدان مقبولیت» و در نتیجه «بحران مشروعیت سیاسی» شده است.

عجبا که درست چند روزی پس از آن که این ملت در وداع با فرمانده شهیدش، حاج قاسم سلیمانی، حیرت‌انگیزترین و عاشقانه‌ترین صحنه‌ها را در تمام تاریخ - کما و کیف - می‌آفریند، باز هم دشمنانش ادعا می‌کنند که مردم از نظامشان دست کشیده‌اند! حالا از دشمن بیگانه که غیر از این هم انتظاری نمی‌رود؛ من در عجبم از کسانی که نان و نمک این مردم و انقلابشان را خورده‌اند، و گاهی - و گاهی بیش‌تر از گاهی - همان حرف‌هایی را می‌زنند که دشمن بیگانه می‌زند. من همیشه وقتی با چنین کسانی روبرو می‌شوم، یاد آن شعر مولوی می‌افتم که می‌گوید:

از همه محروم‌تر خفاش بود

کو عدوی آفتاب فاش بود

نیست خفاشک عدوی آفتاب

او عدوی خویش آمد در حجاب

باری به هر جهت، اگر شما نیز گاهی گوشتان را به شنیدن دروغ‌های جاودانه دشمنان ما در رسانه‌های بیگانه آزرده کرده‌اید، یا اگر وقتتان را در خواندن سخنان روشنفکر نمایانه برخی مطبوعات داخلی هدر داده‌اید، شاید خواندن این چراغ برایتان جالب باشد.

این روزهای آخر ماه بهمن، هنوز یادآور خداست، و پیام‌آوران خدا. چون عجین است با یاد دو یوم‌الله روزگار ما؛ هم ایام اربعین شهادت حاج قاسم عزیز است و هم سالگرد بیست و دوم بهمن. سال‌ها پیش، در یکی از شب‌های پرخطر شعر انقلاب اسلامی که به مناسبت فجر معجزه‌آمیز انقلاب، در مرکز علامه‌حلی تهران برگزار می‌شد، قطعه‌شعر پراحساسی خوانده شد در فراق بزرگ‌قهرمان تاریخ‌ساز عصر ما - امامان، خمینی، رحمة‌الله‌تعالی‌علیه - من دوست دارم ابیاتی از آن را خطاب کنم به شهید عزیزمان حاج قاسم سلیمانی، تا هم یادی باشد از این قهرمان عزیز، و هم خاطره‌ای باشد از امامی که هزاران شهید همچون حاج قاسم محبوب ما را، در دامن خود تربیت کرد.

داغ فراق رفیقان رسته‌ام

اندوه هجر گلان خجسته‌ام

هریک بتر ز دیگر و اینک غروب مهر

آه ای پدر، من و پشت شکسته‌ام

با آن که از درون حنجره فریاد می کشم  
گویی که از دل و جانم گسسته ام

\*\*\*

جانا! یگانه ای! سحری! جاودانه ای!  
در این سرود عشق فراتر ترانه ای  
تو آن فسانه ای که جز اویت نخوانده کس  
آن جاودانه ای که شکستی بت هوس  
ای نفس مطمئن! تو تجلی جنتی  
ای راضیه! تو رضای منی و بس  
دریای پرتلاطم هستی عاشقان  
در بحر پرخروش وجود تو همچو خس  
محبوب جان! غم جانکاه رفتنت  
در سینه گشته کوه و گرفته ره نفس

\*\*\*

ای روح پرفتوح زمان! یار قهرمان  
صبری چو حلم خویش مرا با دعا رسان

سیدمحمدروحانی

۹۸/۱۱/۲۶